



مسجد طراز اسلامی



گزیده ای از بیانات مقام معظم رهبری



◀ شناسنامه

• موضوع : مسجد و امام جماعت در بیان مقام معظم رهبری

• بیانات : مقام معظم رهبری (گزیده‌ی سال‌های مختلف تا سال ۱۳۷۷)

• جزوایت مرتبط : مسجد طراز اسلامی ۱

دریافت دیگر جزوایت و ارائه‌ی نظرات :

Markazejanzeh.ir

کanal تلگرام مرکز جزوایت :

telegram.me/markazejanzeh

جهت اطلاع از تولید دیگر جزوایت کد این جزوایت به همراه نام شهر خود را به سامانه پیامکی مرکز ارسال نمایید :

کد این جزوایت : ۷۰۲

50001333331388

فهرست

۱	اهمیت مسجد در مناطق خاص
۲	مسجد بهترین مکان برای حفظ دین مردم
۳	حفظ امید مهمترین وظیفه‌ی امامان جماعت
۴	اهمیت مسجد سازی
۵	بانگ اذان دلهای افسرده را زنده می‌کند
۶	طنین صدای اذان در کوچه‌های شهر
۷	مسجد بهترین پایگاه بسیج
۸	قانون‌های فرهنگی و هنری مساجد
۹	وضع مسجد در زمان طاغوت
۱۰	صندوق عمران مسجد
۱۱	لزوم حفظ مساجد در طرح کامل شهرها
۱۲	مسجد منشأ نهضت‌های بزرگ
۱۳	اقبال مردم به مساجد از عوامل پیروزی انقلاب
۱۴	مساجد نقطه اتصال زمین و آسمان
۱۵	راز جذب حوانان به مسجد
۱۶	نوآوری در مدیریت و معماری مسجد
۱۷	علم و تقوای ازمه‌ی امام جماعت
۱۸	تریبیت عالم مسجد، مهمتر از ساخت مسجد
۱۹	احیای مسجد قائم به پیشمناز است

و عشاء را تعطیل کرد، نماز صبح هم که اصلاً نبود؛ اینها اشکال است. باید تلاش کند بدون تعطیل -هر سه وقت- در مساجد تهران نماز خوانده بشود. هم صبح بروید نماز؛ هم ظهر و عصر را بخوانید؛ هم غرب و عشا را بخوانید. نفرمایید مأمورین نمی‌آیند. به تجربه ثابت شده است که اگر ائمه جماعت حاضر باشند، مأمورین می‌آیند؛ مردم نماز جماعت می‌خواهند. وقتی امام جماعت نرفت یا وقتی دیر و نامنظم رفت؛ اذان غرب را دادند و نیم ساعت هم گذشت، وقت فضیلت تمام شده، تازه آقا نفس نفس زنان سر می‌رسد، این نماز جماعت نشد که! وقت نماز ظهر می‌گذرد؛ دکانش را بسته و آمده آنجا نشسته است؛ منتظر است که آقا تشریف بیاورد، آقا نمی‌آید؛ بعد معلوم می‌شود که مثلاً آقا امروز کار داشته است. این که نمی‌شود؛ این نماز جماعت نشد. امام جماعت باید اول وقت در محراب، اقامه جماعت بکند. باید قبل

اهمیت مسجد در مناطق خاص

کار اداره‌ی مسجد در همه جا مهم است، اما بدون شک در نقاط خاص، این شغل اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند که تهران و تا حدودی، حومه تهران از این قبیل است. لذاست که نفس مسئولیت امامت جماعت در مساجد، مسئولیت مهمی است.

مسجد بهترین مکان برای حفظ دین مردم

ما باید نگران دین مردم باشیم. بهترین جا برای حفظ دین مردم، همین مساجد است. من به شما عرض کنم که آقایان! بعد از انقلاب، مساجد در چشم صاحبان مساجد -متاسفانه- ارزششان را از دست دادند. تا کسی در جایی یک اشتغال مختصر پیدا کرد، فوراً مسجدش تعطیل شد. اول ظهر و عصر را تعطیل کرد، بعد غرب

حفظ امید مهمترین وظیفه‌ی امامان جماعت

این گرد همایی‌ها همه را تشویق بکند برای اینکه مساجد آباد بشود. حضور در مساجد همیشگی بشود؛ ائمه جماعات به محتوای حرف‌ها و مسائلی که می‌گویند، موعظه‌ای که می‌کنند و حدیثی که می‌خوانند، بیفزایند و مهمتر از همه، باید مردم را به دین و به نظام دینی و به آینده‌ی دین امیدوار نگه دارید؛ این وظیفه‌ی همه است. امیدوار نگه داشتن مردم در همه احوال تکلیف بزرگی است که بر دوش همه است. ۷۳/۸/۴

از وقت آنجا نشسته باشد. بعد از اقامه نماز رویش را به مردم بکند و همچنانی که مستحب است، با مردم حرفی بزنند؛ امکانی بدهد تا آنها از او سوال کنند. وقتی ما خودمان را در مسجد به مردم نشان ندهیم بعد از شش ماه که یک شب فرصتی پیدا کردیم، همه می‌ریزند سرمان؛ ولی وقتی هر شب باشیم، این طور نمی‌شود. هر شب به چند نفر از مردم می‌رسیم؛ سوالی می‌کنند، مسئله‌ای دارند و می‌خواهند وجوهاتی بدهند، شکایتی از کسی دارند. مسجد مهم است. همچنان که امام فرمودند، واقعاً مسجد سنگر است و این سنگر را باید صاحب سنگر حفظ کند؛ دیگران هم به او جذب شوند. ۷۳/۸/۴

اهمیت مسجد سازی

طبق بیانش ما، یادگاری‌های اسلامی عزیزند. می‌شود اسلام به مردم بگوید: بروید در زمین صافی بایستید و نماز بخوانید و عبادت کنید، در صورتی که به عمارت مسجد دستور داده است: «انما یعمر مساجد الله». آباد کردن مساجد ملاک است. تجسم و تجسد خارجی این کار مورد نظر اسلام می‌باشد؛ چون تاثیر بسزایی دارد.

۶۸/۴/۲۸

بانک اذان دلهای افسرده را زنده می‌کند

همه‌ی آحاد جامعه باید سعی کنند که صورت جامعه را یک صورت اسلامی قرار بدهند. من همینجا، خلاصه اذان در جامعه مان را بیاد آور بشوم. در این تهران، صدای اذان به گوش انسان نمی‌رسد. چرا؟ اذان، یک شعار اسلامی است. ما با اینکه پشت بلندگو، تا دیر وقتی از شب، شعر یا قرآن یا نوحه بخوانند و مزاحم همسایه‌ها بشوند، مخالفیم. با چنین چیزی مقابله هم

امام جماعت باید اول وقت در محراب، اقامه جماعت بکند. باید قبل از وقت آنجا نشسته باشد. بعد از اقامه نماز رویش را به مردم بکند و همچنانی که مستحب است، با مردم حرفی بزنند؛ امکانی بدهد تا آنها از او سوال کنند.

مسجد بهترین پایگاه بسیج

مساجد را رها نکنید. این نیروی مقاومت بسیج بهترین جایی که دارد این گروه های مقاومت، همین مساجد است. متنهای مساجد را مسجد نگهدارید. با امام جماعت مسجد، با عبادت کنندگان مسجد، با مأمورینی که در مسجدنده، برادرانه و صمیمی باشید که به حمدالله هستید و آن را حفظ کنید و بیشتر کنید. اول وقت نماز را به جماعت پشت سر پیشمناز هر مسجدی که هستید بخوانید. در مراسم دینی مسجد، تبلیغات آنجا شرکت بکنید. و در دعا و قرآن و مراسم مذهبی شرکت بکنید، شما و امام جماعت آن مسجد هر کس که هست، مشترکاً مسجد را حفظ کنید. جاذبه درست کنید برای مسجد تا بچه های محل، جوان های محل، زن و مرد محل، مجنوب این مسجد بشوند که شما در آنجا

می کنیم. اما با اینکه صدای اذان، اول ظهر و مغرب و صبح، بخصوص از حنجره ها خارج بشود، صد در صد موافقیم. اذان، چیز خیلی خوبی است؛ «حی على الصلة» «حی على الفلاح» «الله اکبر». چرا در جامعه اذان نیست؟ اذان با توجه، به دلها امید می دهد. بانگ اذان، دلهای افسرده را روشن می کند. البته در سحر ها، برای اذان صبح، از بلند گو استفاده نکنند؛ با حنجره اشکالی ندارد. هر چند وقت بیداری است، اما بلند گو ممکن است اسباب زحمت بشود. همه ظواهر جامعه، این طور باشد. مسجد ها در وقت نماز سرشار و مالامال از انسانهای ذاکر و ساجد و راکع باشد. چشمها، ظواهر را می بینند و پشت چشمها، دلها قرار دارند. خیال نکنید چشم ها، شیشه ای هستند که در اینجا گذاشته اند. نخیر، پشت چشم، دل و جان و ذهن انسانی است. این چشم ها و نیز دلهایی که پشت آنهاست، باید از نشانه های اسلام پر بشوند.^{۶۹/۲/۲}

ما با اینکه پشت بلند گو، تا دیر وقتی از شب، شعر یا قرآن یا نوحه بخوانند و مزاحم همسایه ها بشوند، مخالفیم. با چنین چیزی مقابله هم می کنیم. اما با اینکه صدای اذان، اول ظهر و مغرب و صبح، بخصوص از حنجره ها خارج بشود، صد در صد موافقیم. چرا در جامعه اذان نیست؟ اذان با توجه، به دلها امید می دهد. بانگ اذان، دلهای افسرده را روشن می کند.

طنین صدای اذان در گوچه های شهر

در جایی مثل تهران، اقلال در چند مسجد از مساجد مهم، خوب است که با بلند گو اذان پخش بشود؛ حتی اذان صبح در شهرهای کوچک هم به فراخور وسعت آن شهر، می بایست اذان صبح در چند جا پخش بشود. اما در ظهر و شب اذان بگویند؛ هم اذان بلند گو، هم جلوی مساجد، هم داخل مساجد و هم در خیابانها، تا مردم به اذان گفتن عادت کنند.^{۶۹/۱۱/۱۹}

حالا اگر یک وقتی امر دائر شد بین
کانون فرهنگی و امام جماعت، ما امام
جماعت را مقدم میدانیم، چون قوام
مسجد به آن آقای پیشنهادی است که
آنجاست. حالا ممکن است میانشان یک
آدمی باشد که خیلی فعال هم نباشد.
اگر شما جوری عمل کنید که آن آقا با
شما همکاری کند و تشویق بشود به
همکاری، این «نور علی نور» است.

دانشگاهی، مسجدی آن زمان ها درست شد، همه
تعجب می کردند. عجب! مسجد؟ توی دانشگاه؟!
دانشجو و نماز خوان؟! تعجب می کردند.
۷۲/۵/۷

صندوق عمران مسجد

آن پیشنهاد مربوط به صندوق عمران مسجد هم بسیار
پیشنهاد نو و جالی است، من موافقم این کار انجام
بگیرد. و عقیده ام این است که اگر شما این کار را
شروع کنید، یکی از وظایف بنیاد مستضعفان این خواهد
بود که به شما کمک بکند. یکی از خرج های لازم
همین خرج است. یک جاهایی مسجد نداریم، یک
جاهایی مسجد ویرانه داریم. مسجد هایی داریم که به
آن رسیدگی نمی شود. البته توجه بکنید اولاً در این
صرف و خرج یک تشکیلات اداری به وجود نیاید.

کانون های فرهنگی و هنری مساجد

کار فعال کردن کانون های فرهنگی مساجد کار خوبی
است. منتها مساجد – شما می دانید - یک رئیس طبیعی
دارد و آن امام جماعت است. اگر شما جوری عمل کنید
که آن امام جماعت، یا تصور کنید که دارید شما جای او
را تنگ می کنید، یا واقعاً جای او را تنگ کنید، یک
معارضه ای در بطن این کار وجود دارد، حواستان باشد!
و حالا اگر یک وقتی امر دائر شد بین کانون فرهنگی و
امام جماعت، ما امام جماعت را مقدم میدانیم. این را به
شما بگوییم، حواستان باشد که نگویید این جا آخوند
گرایی شد و گروه گرایی شد. چون قوام مسجد به آن
آقای پیشنهادی است که آنجاست. حالا ممکن است
میانشان یک آدمی باشد که خیلی فعال هم نباشد اما
طبیعت کار این است. خیلی خب، حالا اگر شما جوری
عمل کنید که آن آقا با شما همکاری کند و تشویق
 بشود به همکاری، این دیگر «نور علی نور» است.

۷۵/۲/۳۱

وضع مسجد در زمان طاغوت

جوان مذهبی متدين متبع، وقتی وارد دانشگاه می شد،
به خودش تلقین می کرد که کانه اینجا دیگر انسان از
دین و فیود دینی و این ها باید خودش را آزاد نگه دارد،
یا آزاد است، یا باید آزاد باشد، یا نمی شود آزاد نبود از
قیود دینی، و نباید مقید به دین بود. لذا وقتی در یک

قرآن، مایه تشویق مردم بوده است در طول سنین متتمادیه، به ساختن مساجد، به تعمیر مساجد، به آباد سازی مساجد، به فرش مساجد. رو زیلوها می نوشته؛ این را ما وقف کردیم. این ها دلبستگی مردم را به مسجد تأمین می کند. این ها از بین نزود که این کار یک ظرافتی لازم دارد. البته صندوق اگر نباشد خب، همین وضع فعلی است. یک جاهایی اصلاً مسجد نداریم، محلاتی گزارش هست که مسجد اصلاً نیست! در خود تهران، یا بعضی روستاهه، شهر ها، مسجد ندارند یا کم دارند یا مسجد خراب است و از این قبیل.

۷۵/۳/۲۸

بنده در یکی از شهرها رفتم و دیدم یک خیابان کشیده اند، که آن خیابان را ممکن بود مثلاً بیست متر آن طرف تر بکشند چهار تا مسجد سلامت بماند کما این که یک بنای قیدیمی و تاریخی که میخواستند سالم نگه دارند، توانسته اند سالم نگه دارند؛ اما مسجد را اصلاً اهمیت نمی دادند؛ ما با این ها اوقات تلخی کردیم.

لزوم حفظ مساجد در طرح کامل شهر ها

نقشه جامع را دو جور آدم، ممکن است بکشد؛ یک جور آدمی که معتقد است مسجد را باید حفظ کرد؛ یک جور آدمی که می گوید نه آقا، مسجد با مثلاً زمین بایر چه فرقی دارد. دو جور آدم نقشه میریزد. بنده در یکی از شهرها رفتم و دیدم یک خیابان کشیده اند، که آن خیابان را ممکن بود مثلاً بیست متر آن طرف تر بکشند چهار تا مسجد سلامت بماند کما این که یک بنای قیدیمی و تاریخی که میخواستند سالم نگه دارند، توانسته اند سالم نگه دارند؛ اما مسجد را اصلاً اهمیت نمی دادند؛ ما با این ها اوقات تلخی کردیم. ما عرضمن این است که مصلحت اگر باشد، میشود مسجد را خراب کرد، اگر چنانچه واقعاً مصلحت باشد. اما این مصلحت چه جوری تشخیص داده بشود؟ الان هر جا که گیر می کنند - برای این چهارتا خانه را خراب کنند باید یک پولی بدنهند؛ مسجد را که خراب

مسجد یک رئیس طبیعی دارد و او امام مسجد است، از او استفاده کنید، از هیئت امناها که در مسجد هستند استفاده کنید، یک تشکیلات جدید درست نشود فقط یک مرکز پشتیبانی به وجود بیاید ولا غیر.

دیگر این که مساجد و حسینیه ها باید به پول مردم ساخته بشوند، این فراموش نشود. سنت صحیح رایج بین شیعه، که عبارت بوده است از این که مردم مسجد بسازند، حسینه بسازند این سنت بسیار سنت با برکتی است. جوری نباشد که اگر شما یک صندوقی درست کردید یک جا، مردم بگویند خوب حالا که دیگر پول هست - الحمد لله - دولت دارد می دهد، ما دیگر چرا بدھیم؟ این نباید بشود. تبلیغات جاروجنجال و فلاں و فلاں اصلاً نباید باشد، بلکه بتوانیم پول های مردم را هدایت کنید به این صندوق در درجه اول و آن «اما یعمر مساجد الله من آمن بالله» فوت نشود. این آیه

ها رو به شکست رفت و ملت ها استقلال خودشان را دوباره از دست دادند که رابطه خودشان را با مساجد و با دین و ایمان مساجد قطع کردند. در صدر اسلام هم در زمان نبی مکرم اسلام^(ص) و همچنین در زمان حکومت با برکت امیرالمؤمنین^(ع) مسجد، مرکز همه تصمیم گیری های مهم و کار های بزرگ بود. نمی خواهیم حالا از لحاظ وضع زمان، تشبیه کنیم مسجد امروز را به مسجد زمان امیرالمؤمنین - که اقتضایات هر زمانی متفاوت است- ولی مسجد به طور کلی به عنوان یک پایگاه دین، پایگاه عبودیت، پایگاه معرفت، می تواند برای جوامع اسلامی منشأ و سر آغاز حرکات بزرگ و برکات ماندگار باشد.

۷۵/۱۰/۱۹

کنند پول نباید بدهند- ، مسجد را می اندازند در مسیر. مساجد را در مسیر می اندازند. نه، این مصلحت نیست. باید با این واقعاً مقابله بشود؛ ایستادگی بشود. ۷۵/۴/۱۸

مسجد منشأ نهضت های بزرگ

مسجد نه فقط در زمان ما و نه فقط در کشور عزیز اسلامی ما، بلکه در نقاط مختلف عالم و در طول تاریخ، منشأ آثار بزرگ و نهضت های بزرگ و حرکات اسلامی بزرگ شده است. مثلاً در همین کشور های آفریقا، کشور های شمال آفریقا که مسلمان هستند، مثل کشور الجزایر و دیگر کشور هایی که سال ها در زیر سلطه ای نظامی استعمار فرانسوی ها بودند؛ قیام این مردم از مساجد شروع شد که به پیروزی هم رسید و کشور ها استقلال پیدا کردند. آن روزی هم انقلاب در این کشور

اقبال مردم به مساجد از عوامل پیروزی انقلاب

علت این که این انقلاب مبارک در ایران اسلامی پیروز شد، یکی از علل این پیروزی و سهولت این پیروزی لائق، این بود که مردم به مساجد اقبال پیدا کردند، جوان ها مساجد را پر کردند، علمای اعلام مساجد را به عنوان یک مرکزی برای تعلیم، برای تربیت، برای روشگری افکار و اذهان مورد استفاده قرار دادند؛ و مسجد شد مرکزی برای حرکت، برای آگاهی، برای نهضف، برای افشاء اسرار زمامداران فاسد و خود فروخته ای رژیم طاغوت، در دوره ای مشروطیت هم همین جور بوده است، در دوره ای ملی شدن صنعت نفت هم تا حدودی همین جور بود، در زمان انقلاب هم که این به حد اعلی رسید.

۷۵/۱۰/۱۹

قیام این مردم از مساجد شروع شد که به پیروزی هم رسید و کشور ها استقلال پیدا کردند. آن روزی هم انقلاب در این کشور ها رو به شکست رفت و ملت ها استقلال خودشان را دوباره از دست دادند که رابطه خودشان را با مساجد قطع کردند.

مساجد نقطه اتصال زمین و آسمان

کرده است. امسال در ایام اعتکاف در بسیاری از مساجد در سراسر کشور، جوان های ما، زن ها، مرد ها، از قشر های مختلف، از سنین مختلف، رفتند در مسجد ماندند، سه روز روزه گرفتند، سه روز با خدا مأнос شدند، بعد هم با گریه و اشک و آه مسجد را وداع گفتند و بیرون آمدند تا برای سال آینده آماده بشوند. عزیزان من این برای یک جامعه، علامت خوبی است که «الذین ان مکنّاهم فی الارض اقاموا الصلاة» این، علامت یک حکومت الهی است. علامت یک حرکت صحیح و دارای جهت گیری صحیح است. این را جدی بگیرید، تقویت کنید.

بحمدالله مسأله تنظیف مساجد و تطهیر مساجد و پاک سازی مساجد و غبار روی مساجد، این کار هایی که این روز ها دارد انجام می گیرد، عطر افسانی به مساجد،

خطاست اگر کسی خیال کند
در مسجد، فقط چند رکعت
نماز می خوانند و بیرون می
آیند، این چه تأثیری دارد، این
جور نیست. اولاً همان چند
رکعت نماز هم اگر با چشم
 بصیرت نگاه شود، خود نماز
که «خیرالعمل» است

ملّت ایران مساجد را باید مغتمم بشمارند؛ پایگاه معرفت و روشن بینی و روشنگری و استقامت ملّی به حساب بیاورند. خطاست اگر کسی خیال کند در مسجد، فقط چند رکعت نماز می خوانند و بیرون می آیند، این چه تأثیری دارد، این جور نیست. اولاً همان چند رکعت نماز هم اگر با چشم بصیرت نگاه شود، خود نماز که «خیرالعمل» است، فلاح است، به زبان مشعر مقدس نماز و اذان، خود همان نماز هم، مایه ی برکت زیادی می شود. نماز یک ملّت را به قیام الله و ادار می کند. نماز انسان ها را از فساد دور می کند، به خلوص و فدایکاری نزدیک می کند. علاوه بر این در مسجد انواع عبادات هست، از جمله ی آن عبادات، تفکر است که «تفکر ساعهٔ خیر من عبادة سنّة» یا در بعضی از روایت «من عبادة اربعین سنّة» یا «سبعين سنّة»؛ این فکر را، افراد مسجد برو، به وسیله ی شنیدن سخنان عالم، عالم دین، فقیه، به دست می آورند. بنابراین هم مدرسه است، هم دانشگاه است، هم مرکز تفکر و تأمل است، هم مرکز تصفیه روح است، هم مرکز خلوص است، هم مرکز اتصال بندۀ به خداست. ارتباط زمین و آسمان است. جایی است که انسان خود را به منبع لایزال فیض و قدرت وصل می کند. انسان خود را در مسجد به خدا متصل می کند.

بنابراین قدر مساجد را باید دانست. باید در مساجد حضور پیدا کرد. بحمدالله در این سال های اخیر به برکت انقلاب این معنا زیاد شده است و کیفیت پیدا

همه این ها کار های خوبی است که بحمدالله دارد
انجام هم می گیرد و خوب است که انجام بدید.

۷۵/۱۰/۱۹

راز جذب جوانان به مسجد

یک جوانی از این پوستین وارونهای ها
آمده بود صف اول نماز پشت سجاده
نشسته بود؛ یک حاجی محترم بازاری
هم نشسته بود. دیدم او رویش را
کرد به گوش جوان چیزی گفت، این
جوان هم مضطرب شد. فهمیدم که
این آقا به او گفته که شما مناسب
نیست با این لباس صف اول بنشینید.
گفتم نه آقا. نه. نه. اتفاقاً شما مناسب
است این جا بنشینید.

امکانات هنری نداریم، اگر فعلاً ترجمه قرآن به زبان
سعدي زمانه نداریم، اخلاق که می توانیم داشته باشیم.
برادرها! «المؤمن بشره فی وجہه و حزنه فی قلبه»
آن، آنی را که باید ابراز کنید، با اخلاق. بروید سراغ این
جوانها، بروید سراغ دل های اینها، روح های این
ها، روای قلب های اینها. آن وقت تبلیغ انجام خواهد
شد.

۷۶/۲/۲۶

نوآوری در مدیریت و معماری مسجد

نکته‌ی اساسی این کار شما این است که شما ابتکار به
خرج دادید؛ یعنی تلاش گوناگون اجتماعی و علمی و
تحقیقی و هنری و همه را گذاشتید روی موضوع
مسجد. این چیز جدیدی است. نکته‌ی دوم این است
که در موضوعاتی هم که مطرح کردید برای دنبال

بروید سراغ مخاطبین، زبان ویژه‌ی او را پیدا کنید و
اگر دیدید سخت است، یک راه میان بر داریم و آن
زبان خوش است. زبان خوش. خیلی جای دوری نزویم.
مسجد بندۀ، همیشه مملو از جوان‌ها بود. آنها بی که
سن‌شان کفاف بدهد میدانند. هیچ وقت مسجدی که
بندۀ نماز می خواندم، بعد از نماز مغرب و بین نماز
مغرب و عشاء، در مسجد جا نبود. همیشه بیرون مسجد
جمعیت بود، صدی هشتاد هم جوان. برای خاطر این
که با جوانان تماس می‌گرفتم. آن روزها، سال‌ها، آن
وقت‌ها مُد شده بود پوستین‌های وارونه، جوان‌های
خیلی آلامد می‌پوشیدند. یک جوانی از این پوستین
وارونه‌ای‌ها آمده بود صف اول نماز پشت سجاده
نشسته بود؛ یک حاجی محترم بازاری هم که خیلی مرد
فهمیده‌ای بود، آن هم نشسته بود. دیدم او رویش را
کرد به گوش جوان چیزی گفت، این جوان هم
مضطرب شد. گفتم چی گفتی؟ جوان گفت هیچ چی؛ او
هم گفت هیچ. گفتم؛ نه، چی گفتی؟ فهمیدم که این
آقا به او گفته که شما مناسب نیست با این لباس صف
اول بنشینید. گفتم نه آقا. نه. نه. اتفاقاً شما مناسب است
این جا بنشینید، تکان نخور از این جا. گفتم حاجی چرا
می‌گویی جوان برود عقب؟ بنشین همین جا. بگذار
بدانند جوان پوستینه وارونه هم می تواند بیاید نماز
جماعت بخواند و به ما اقتدا کند. اگر پول نداریم، اگر

وارد مسجد شدم، روی سجاده، پشت به قبله نشستم
جلوی مردم، مردم تعجب کردند که این آقای پیشمناز
چه کار دارد! چرا از این طرفی نشسته؟! یعنی رو به
مردم کردم. کاری هم نداشتیم. نشستم منتظر کسی
اگر حرفی می خواهد بزنده، بزنده. نماز هم که خواندم
همان اولین نماز، یا دومین نماز، بلند شدم ایستادم رو
به مردم کردم و صحبت کردم. یعنی سلایق ۱۸۰ درجه
تفاوت می کرد. خب این واقعاً یک مدیریت است. چه
عیب دارد این فکر بشود، رویش تنوین بشود، آموزش
داده بشود، این بسیار فکر نوبی است.

دوم مسئله معماری مساجد است. الان، اتفاکی درست
می کنند اسمش را می گذارند مسجد. عیبی ندارد،
شرع هیچ اشکالی ندارد. اما خب چه قدر خوب است
که این معماری مسجد همچنانی که در گذشته تاریخ
ما وجود داشته، یک معماری شاخصی باشد که در آن
نیاز ها ملاحظه بشود. غرض این است که شما ابتکار
به خرج دهید دنبال کنید همین کار را. بسیار صحیح
است و همین طور هرچه هم می توانید دامنه کار را
گسترش دهید و پیش بروید. ۷۶/۱۶

بنده وقتی که خودم پیشمناز شدم،
اولین کاری که کردم این بود که
وقتی وارد مسجد شدم، روی سجاده،
پشت به قبله نشستم جلوی مردم.
مردم تعجب کردند که این آقای
پیشمناز چه کار دارد! چرا از این
طرفی نشسته؟! یعنی رو به مردم
کردم. کاری هم نداشتیم. نشستم
منتظر کسی اگر حرفی می خواهد
بزنده، بزنده.

علم و تقوا لازمه‌ی امام جماعت

برای امام جماعت مسجد حداقل چیزی که لازم است،
علم و تقواست دیگر. از این دو تابیعتی صرف نظر
کرد. حالاً چیز های دیگر هم لازم است، کسی ممکن
است جهات دیگر هم داشته باشد، خیلی خوب است اما
درموردن علم و تقوا شما سخت گیری کنید. باید کسی
که آنجا می ایستد [برای] نماز، عالم باشد و عادل باشد؛

گیری و تحقیق کردن در آنها هم ابتکار های مشاهده
می شود. اما من می خواهم روی دو مسئله تکیه کنم.
اول، مدیریت مسجد. خب یک مدیریتی است واقعاً،
امامت، جماعت، پیشمنازی یک مدیریت است. ما این
را همین طور به صورت خودرو، خود ما روحانیون و
طلبه ها از اول این کار را انجام دادیم؛ هر کس هم یک
جور طبق مذاق خودش، مزاج خودش. مرحوم پدر ما،
سال های سال امام جماعت مسجد بودند. وقتی وارد
مسجد می شدند، نه یک کلمه ایشان به کسی حرفی
میزد- فقط جواب سلام - نه به کسی ایشان نگاه می
کرد. همین طور آرام وارد می شدند می رفتند توی
سجاده، نماز را می خوانندند می آمدند بیرون. که من
خودم که ایشان را دیدم و می دیدم وضع ایشان را،
مالحظه رفتار ایشان باعث شد که بنده وقتی که خودم
پیشمناز شدم، اولین کاری که کردم این بود که وقتی

یکی دیگر می خواهند بسازند یا احتمال این که از طرق تبع و زکوات بتوانند بسازند هست، این جا را بنده شبهه می کنم. برای خاطر این که من از مسجد واجب تر، عالم مسجد را می دانم، ما الان وجوهاتمان برای اداره عالم مسجد کم می آید؛ شما الان ملاحظه کنید وضع طلبه ها را ببینید چه جوری است؟ شما خودتان بروید قم یک سری بزنید؛ ببینید چه جوری است، با چه قدر زندگی میکنند. توی این شرایط این را که پول سهم امام صرف ساختن مسجد می شود. واقعاً

من جرات نمیکنم. ۷۷/۹/۱۶

احیای مسجد قائم به پیشنهاد است

هر چه خدمت به مساجد و عمران مساجد بکنید، معلوم است که انسالله ثوابش پیش خدای متعال، چه قدر زیاد است: «انما يعمر مساجد الله من امن بالله واليوم الآخر.»

بته دوستانی که اشتغال های اداری و کاری و اینها دارند، خیلی به مسجد اهمیت نمیدهند؛ اشکال این است. نایب می شود؛ فایده ندارد؛ باید خود پیشنهاد به مسجد برود، الا اسم مسجد به نام یکی باشد و یکی دیگر برود، مثل همه ی کارهای دیگری است که یک رئیس بیکار و یک نایب فعل است. اول انقلاب میخواستیم موضوع را این جوری حل کنیم، فایده نداشت. نه آن رئیس میتواند کاری کند، نه آن نایب، قدرت و جرأت و مسئولیت انجام کارهای حسابی را داشت؛ لذا کارها غالباً می ماند. این تجربه ی موفقی نیست. خود من پیشنهادی کرده ام، می دانم که مسجد

این دو تا دیگر غیر قابل اغماض است. حالا بقیه خصوصیات را هم داشت، آدم سخنوری بود، آدم عاقلی بود، چه بهتر. البته در مقام ترجیح طبعاً مقدم است اما اگر جهات دیگر را ندارد، از علم و تقوا که دیگر نمی توان صرف نظر کرد. معمم بودن امام و روحانی بودن امام برای این است که تقدم علم و رجوع مردم به عالم معلوم شود؛ ولآ اگر اینجور نباشد چرا آن ها می ایستند، دیگری بایستد. ۷۷/۹/۱۶

توبیت عالمِ مسجد، مهمتر از ساخت مسجد

اگر چنانچه مسجد، در یک نقطه ای از نقاط نباشد و هیچ راه دیگری هم وجود نداشته باشد، آن جا را استثنائاً ما اجازه می دهیم از سهم امام مسجد بسازند؛ اما آن جایی که مسجد هست، می خواهند حالا توسعه بدهنند،

من از مسجد واجب تر، عالم
مسجد را می دانم. ما الان
وجوهاتمان برای اداره عالم
مسجد کم می آید؛ شما الان
ملاحظه کنید وضع طلبه ها را
ببینید چه جوری است؟ شما
خودتان بروید قم یک سری
بزنید؛ ببینید چه جوری است، با
چه قدر زندگی میکنند.

مشهد، پیشمناز بودم؛ نه از آن پیشمناز های مسن و پیر بودم، نه آنچنانی بودم، اما همین حالت در بنده هم بود. مدتی که من را از نماز جماعت محروم کرده بودند، فقط شب های شنبه در مسجد امام حسین^(ع) نماز می خواندم - مسجد کرامت را بسته بودند - یک سفر به مازندران - ساری - برنامه را جوری تنظیم کردم که صبح جمعه در تهران باشم، برای شب شنبه، روز قبلش در ساری بودیم، این جوان ها من را شناختند، دروبرم آمدند و به زور ما را داخل شبستانی از شبستان های مسجد جامع ساری، برای نماز جماعت بردند. نماز خواندم و برایشان صحبت کردم. اصرار کردن که باید شما دو سه روز بمانید؛ گفتم نه، التماس کردن - از آن تماس هایی که هر روحانی را میخکوب می کند - گفتم نه، چون شب شنبه، نماز دارم و باید بروم؛ یک سخنرانی برای جوان ها می کنم. هر کاری کردن،

پیشمناز، هر چه و هر کس هم باشد، وقتی اعتنایی به مسجد نداشت، تأثیر کمی خواهد داشت؛ مثل آقایان فعلی ما، روحانیون انقلابی و جوان فاضل، عیب کارشان این است که به مسجد اعتنایی ندارند. ظهر می شود، مشغول کارند، یا جلسه دارند، مسجد هم دارند، این نمی شود. این کجا سنت پیشمنازی در مسجد کجا؟

و پیشمنازی یعنی چه. مسجد، قائم به پیشمناز است. خادم تأثیر خیلی کمی دارد؛ یعنی در مقایسه با پیشمناز، واقعاً تأثیرش ده بر یک هم نیست. البته تأثیراتی دارد، اما ملکه ی زنور مسجد، پیشمناز است. پیشمناز که آنجا بود و جاذبه داشت، همه هستند. پیشمناز، هر چه و هر کس هم باشد، وقتی اعتنایی به مسجد نداشت، تأثیر کمی خواهد داشت؛ مثل آقایان فعلی ما، روحانیون انقلابی و جوان فاضل، عیب کارشان این است که به مسجد اعتنایی ندارند. ظهر می شود، مشغول کارند، یا جلسه دارند، مسجد هم دارند، این نمی شود. این کجا سنت پیشمنازی در مسجد کجا؟

معروف بود میگفتند که هر وقت پیشمناز نیامد تابوت را در خانه اش ببرند؛ واقعاً این جوری بود. پدر من چهل، پنجه سال - تا وقتی که از کار افتاد - پیشمناز بود؛ مگر ممکن بود ایشان یک روز به مسجد نرود ما در دوره ای بجه گی و نوجوانی و آن وقت هایی که پدرمان برای نماز می رفت، اصلاً برایمان معهود نبود که ممکن است نرود؛ یعنی اصلاً چنین چیزی مثل محلالات بود، مثل این بود که یک روز آفتاب در نیاید. مگر پیشمنازی این جور می شود؟ حالا برف است، حالا جلسه است، حالا مهمانی است. خوب، همه چیز به جای خود محفوظ وقتی که وقت نماز می شد - وقت مناسب نماز - اگر جلسه، یا مهمانی، یا مریض هم داشتند، هر چه بود، پا می شدند می آمدند؛ پیشمنازی این است. اگر شما می توانید، این روحیه را در آقایان ایجاد بکنید. من هم دائماً به این آقایان گفته ام که باید پیشمناز برسد و در پست خودش باشد. من خودم در

پدر من چیل، پنجاه سال - تا وقتی
که از کار افتاد - پیشمناز بود؛ مگر
ممکن بود ایشان یک روز به مسجد
نرود ما در دوره‌ی بچه گی و
نوچوانی و آن وقت هایی که
پدرمان برای نماز می‌رفت، اصلاً
برایمان معهود نبود که ممکن است
نرود؛ مثل این بود که یک روز
آفتاب در نیاید.

می‌دارد و معارف را از نسلی به نسلی منتقل و با دین،
آشنا می‌کند. ۷۷/۱۰/۱۹

گفتم نمی‌شود. آنها گفتند ای کاش پیشمناز ما هم
مثل شما بود. ایشان مرتب به تهران می‌رود و خیلی
اهمیت نمی‌دهد. پیشمناز، این است؛ اگر وادرشان
کنی، خوب است.

دوم این که هر کس از این آدم‌های با صلاحیت را که
ما گفتیم - مثلاً از قم - بیایند فوراً گفتند که باید برای
آقایان، خانه بگیریم. پیشمناز، شرایط پیشمنازیش در
مسجد، این است که برایش خانه بگیرند. بالاخره در
یک شهر، آدم میخواهد زندگی کند.

هر چه بتوانید در مورد مساجد کار بکنید، خیلی خوب
است. مسجد، کانون دین است؛ الان هم همین است.
هیچ چیزی جای مسجد را پر نمی‌کند؛ یعنی سلولی
است که آدم به تنهایی نگاه می‌کند؛ ولی همین
مجموعه‌ی مساجد است که فضا را فضای دینی نگه





مسجد، هم مدرسه است، هم دانشگاه، هم مرکز تغیر و تأمل، هم مرکز تصفیه روح، هم مرکز خلوص و مرکز اتصال

بندۀ به خداست. ارتباط زمین و آسمان است.

مقام معظم رهبری

۷۵/۱۰/۱۹

موکر جزو ۵: تولید و توزیع محصولات جبهه‌ی فرهنگی انقلاب اسلامی

 Markazejozveh.ir

 [@Markazejozveh](https://t.me/Markazejozveh)

 ۵۰۰۰۱۳۳۳۳۱۳۸۸

فروش: دزفول، خیابان امام خمینی شمالی، تقاطع بودجه جمهوری روبروی بانک

کشاورزی، مرکز فرهنگی وارثین. همراه: ۰۹۱۶۸۲۳۰۹۷۴